

مقاله حاضر عهده‌دار توضیح مسئله
«عدم تناسب بین تعداد پسران و دختران در
سن ازدواج» به عنوان یک مشکل اجتماعی
است.

«راب» و «سلزنیک» می‌گویند: مسئله
اجتماعی، «مسئله‌ای ناشی از روابط انسانی
است که خود جامعه را به طور جدی تهدید
می‌کند و یا تحقق تمنیات مهم مردم کثیری را
مانع می‌شود.» آنان درباره جنبه نخست چنین
اضافه می‌کنند: «مسئله اجتماعی هنگامی به
وجود می‌آید که به نظر می‌رسد قدرتی که جامعه
مشکل برای تنظیم روابط بین افراد دارد با
شکست روبه‌رو می‌شود؛ نهادهای آن
دستخوش تزلزل می‌شود، قانون‌های آن مورد
بی‌احترامی قرار می‌گیرد، انتقال ارزشهای آن
از نسلی به نسل دیگر به سختی صورت
می‌گیرد و چارچوب توقعات متزلزل می‌گردد.
مثلاً توجه زیادی که امروزه به بزهکاری
جوانان معطوف می‌شود فقط تا حدودی به این
دلیل است که بزهکاری مقدمه جرم و یا
تهدیدی برای ایمنی و مالکیت شخصی است.
علت دیگر آن ترس از این است که جامعه در
انتقال ارزشهای مثبت اجتماعی به جوانان
خود، با شکست روبه‌رو می‌شود... به عبارت
دیگر بزهکاری نمایشگر تزلزلی در خود جامعه
تلقی می‌شود.»

برای توضیح بیشتر اصطلاح «مسئله
اجتماعی» توضیحات فرهنگ علوم اجتماعی
نوشته آن بیرو را در اینجا می‌آوریم:
«اصطلاح «مسئله اجتماعی» فاقد محتوایی
دقیق است:

الف: این اصطلاح می‌تواند وضع یا شرایط
کلی اجتماعی را که دشواری خاصی پدید
آورد، یا ساخت‌های اقتصادی نامطلوبی را که
موجب بروز نسا برابری‌های بزرگ و یا
بی‌عدالتی‌هایی را که صورت نهادهای یافته‌اند،
همچنین نارضایی و نابسامانی عمومی را،
برساند.

ب: همچنین این اصطلاح می‌تواند در
معنای شرایط و اوضاع خاصی به کار رود که
نیاز به بهسازی داشته باشند. در این صورت،

غلامرضا صدیق اورعی

عدم تناسب بین تعداد پسران و دختران در سن ازدواج

«مسایل اجتماعی» ناشی از وجود «عدم تعادل»هایی جزئی، مشکلات یا بن‌بست‌هایی که خروج از آن برای افراد محروم امکان‌پذیر نیست، مطمح نظر قرار می‌گیرند.

در این معنی، مسایل اجتماعی بسیار متعددند و موضوع آنان می‌تواند هر یک از جهات و ابعاد حیات اجتماعی در هر سطح باشد؛ نظیر مسکن، بهداشت، بیکاری، بینوایی و... نوع زندگی نیز به نوبه خود می‌تواند به پیدایی سلسله مسایل اجتماعی منجر شود، مانند بزهکاری، ارتکاب جرم، اعتیاد به الکل، فساد و... تمامی ردالت‌هایی که دارای انعکاس اجتماعی هستند و بطور جمعی مورد ارتکاب قرار می‌گیرند، پدیدآورنده مسایل اجتماعی هستند. تمامی این مسایل، موجبات امحای یکبارچگی و هماهنگی اجتماعی را فراهم می‌سازند. قشرهایی که در درون آنان، گروه‌هایی بیمار و غیر منطبق با حیات اجتماعی بطور کلی، جای دارند، فاقد احساس درست تعلق به جامعه فراگیر هستند.

اغلب، مسایل اجتماعی (در معنای دوم) به جهت فقدان ساخت اقتصادی - اجتماعی عمومی (در معنای اول) پدید می‌آیند. به این قرار، ویژگی مسایلی که ماهیت اجتماعی دارند این است که با اقدامات درمانی به صورت فردی علاج‌پذیر نیستند و نیاز به «معالجه اجتماعی» دارند. علل این استلانات اغلب اقتصادی هستند. از این رو است که جهت درمان آنان باید به جای یک اقدام به اصطلاح خیرخواهانه و یا یک عمل ساده اجتماعی، در صدد مداخله‌ای عمقی برآمد.^۲

قابل ذکر است که مفهوم «مسئله اجتماعی» با مفاهیم دیگری از قبیل تنش اجتماعی بحران اجتماعی، بی‌سازمانی اجتماعی، آسیب اجتماعی، انحراف اجتماعی و ساخت اجتماعی ارتباط نزدیکی دارد.

پس از این دو توضیح درباره مفهوم «مسئله

(یا مشکل) اجتماعی» برداشت این نوشتار از مشکل اجتماعی را - با توجه به نظریه کارکردگرایی ساختی - بیان می‌کنیم:

مشکل اجتماعی امری است که دارای جنبه اجتماعی است و ناشی از ناتوانی‌های فردی نمی‌باشد و در نتیجه با روش‌های مشاوره و راهنمایی فردی - آنطور که توسط متخصصین مشاوره روانی یا روان‌شناسان بالینی انجام می‌گردد - قابل حل نیست اگر چه بتوان فرد مشخصی را با این شیوه از مهلکه نجات داد. مشکل اجتماعی یک امر اجتماعی و قائم به اجتماع است و در واقع از یک ناسازگاری در ساختمان جامعه ناشی شده و از آن حکایت می‌کند.

اگر سلامت جامعه را با اصطلاح «تعادل اجتماعی» تعریف کنیم^۳، مشکل اجتماعی ناشی از «عدم تعادل» در ساختمان جامعه است. پس در بحث از «مشکلات اجتماعی» باید به ریشه‌یابی آن در «عدم تعادل‌ها» و ناسازگاری‌های ساختاری جامعه، پردازیم.

جستجوی ریشه مشکل اجتماعی در عدم تعادل ساختی جامعه، مستلزم شناخت ابتدایی ساخت جامعه است.

«در علوم اجتماعی و اقتصادی، در فیزیک و شیمی و... ساخت نحوه تنسيق و تنظیم مجموعه‌ای از اشیاء، اجزاء و نیروهایی است که چنان در کنار هم قرار گرفته‌اند که «کلی خاص» را تشکیل می‌دهند. هرگاه سخن از ساخت به میان آید، منظور مشخص ساختن نحوه به هم پیوستگی یک مجموعه و ناهمگنی آن با مجموعه‌های دیگر است. در یک ساخت هر جزء یا هر عنصر در پیوند با نوعی پیوستگی «هم‌نیروزا» با عناصر و اجزای دیگر است و بدون ارتباط با دیگر عناصر نمی‌تواند هویت ساختی خود را حفظ کند. ساخت به طرز نسبتاً ثابت و طولانی در هستی واقعیت نهفته و ملحوظ است. از همین رو است که درک

ساخت هر واحد، امکان به دست آوردن مدل جریان کار آن را فراهم سازد. مدل نیز به هنگام دگرگونی ساخت، باید تغییر یابد.^۴

«هر نظام اجتماعی از لحاظ سازگاری و هماهنگی با چهار مسئله بنیادی مواجه است پارسونز این چهار مسئله را ضرورت‌های نظام اجتماعی می‌نامد زیرا که هر نظام اجتماعی برای حیات و بقاء خود بایستی به آنها پاسخ گوید. در هر نظام اجتماعی چهار کارکرد اصلی می‌توان تشخیص داد که اینها هر یک برای پاسخگویی به یکی از این مسایل در نظر گرفته شده‌اند:

۱ - کارکرد «حفظ الگو»: تأمین ارزشهای جامعه و تشویق به پذیرش آنها و الزامات آنها.

۲ - کارکرد «بگانه‌گی»: تأمین هماهنگی ضروری بین قسمت‌های یک سیستم و با توجه به سهم آنان در سازمان و در کارکرد کل نظام.

۳ - کارکرد «تحقق اهداف»: تعریف اهداف نظام و اقدام در جهت تأمین آنها که در این مسیر، کارکرد یگانگی وسیله اصلی هماهنگ کردن افراد، گروه‌ها و زیر سیستم‌ها است تا اهداف کلی محقق گردد.

۴ - کارکرد «تطابق با شرایط محیطی»: که نظام اجتماعی از این طریق بین نظام ارزشی و شرایط محیطی خود سازگاری ایجاد می‌کند و در عین حال تفکیک و تخصیص نقش‌ها (نظام تقسیم کار اجتماعی)، توزیع منابع محدود و کمیاب مطابق معیارهای ارزشی و تعیین ابزاری که نظام و اعضایش برای رسیدن به اهداف به کار می‌گیرند؛ از لوازم آن است.^۵ بنا بر مطالب مذکور هرگاه بین نظام ارزشی جامعه با نظام تقسیم کار اجتماعی ناسازگاری به وجود آید یا بین نظام تقسیم کار اجتماعی و شرایط محیطی هماهنگی از بین برود یا جریان اجتماعی کردن و حفظ الگو در انتقال صحیح و کامل ارزشها و هنجارها به اعضای جامعه ناموفق گردد و در نتیجه نظام ارزشی جامعه



«عوامل خارجی که بر نحوه هماهنگی با محیط تأثیر می‌گذارند مشخص هستند. از میان آنها می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: وارد ساختن دانش پزشکی در جوامع توسعه نیافته که به افزایش میزان رشد جمعیت منجر می‌شود.

رونق داد و ستد به واسطه گشایش بازار خارجی

ورود صنایع و حرف مختلف

مهاجرت افراد

روابط سیاسی بین جوامع و نظیر اینها... منابع داخلی ایجاد تغییرات محیطی، اختراعات صنعتی مانند اختراع چرخ پسا راه آهن را شامل می‌شوند (برای کشورهای اروپایی).»^۷

با توجه به بحث نظری ارائه شده درباره «مسئله اجتماعی» و «نحوه پدید آمدن عدم تعادل ساختی» در یک جامعه - که ریشه «مشکلات اجتماعی» است - به بحث درباره مشکل «عدم تناسب بین تعداد پسران و دختران در سن ازدواج» و به عبارتی: «فزوننی تعداد دختران واقع در سن ازدواج نسبت به پسران واقع در سن ازدواج»، راه حل آن می‌پردازیم: در پدیده خواستگاری و ازدواج از جنبه سن عروس و داماد و هنجارهای حاکم بر آن از یکسو و واقعیت جمعیتی افراد مجرد هرگز ازدواج نکرده - بر اساس آمار سرشماری ۱۳۶۵ ه. ش ایران - از سوی دیگر، گزاره‌های مورد توجه در این تحلیل عبارتند از:

۱ - در اکثریت ازدواج‌های مرسوم ایرانی سن مرد از زن بیشتر است و در بیش از ۷۰ درصد موارد، مرد بین ۱ تا ۵ سال با همسرش اختلاف سنی دارد.

۲ - زمینه‌های عینی این تفاوت سن زن و شوهر، قبل از همه جنبه بیولوژیک دارد، به این معنی که دختر زودتر از پسر به «بلوغ جنسی»

می‌رسد.

۱ - ۲ - از نظر جریان اجتماعی شدن نیز دختران زودتر از پسران مهارت‌های مربوط به نقش خود در خانواده را می‌آموزند. یک دختر ۱۷ ساله کاملاً آماده اداره امور داخلی منزل است در حالیکه پسر ۱۷ ساله آمادگی اداره اقتصادی یک خانواده را - معمولاً - ندارد.

۲ - ۲ - چون به لحاظ «حقوقی» در فرهنگ ما، مرد، رئیس و مسئول و بزرگتر خانواده قلمداد شده است؛ اگر سن شوهر از زن بزرگتر باشد دوران تجربه اجتماعی طولانی‌تر، بخشی از زمینه عینی برای این واقعیت حقوقی فراهم می‌گردد.

۳ - در گذشته، برخی علماء اخلاق - که هادیان مردم در زندگی بوده‌اند - در توجیه ترجیح بالاتر بودن سن شوهر بر زن، گفته‌اند: همانطور که بلوغ جنسی زن زودتر از مرد فرا می‌رسد، پایان تمایلات جنسی زن نیز زودتر از مرد، فرا می‌رسد. لذا وقتی - مثلاً - مردی ۲۰ ساله با دختری ۱۴ ساله ازدواج می‌کند، در سن ۵۰ سالگی زن - که سن معمول یائسگی است و می‌توان گفت تمایلات جنسی زن فروکش کرده است - مرد ۵۶ ساله است و نزدیک به ۶۰ سالگی که به احتمال زیاد او هم با فروکش تمایلات جنسی مواجه است.

۴ - از لحاظ ساخت جمعیتی در یک جامعه به «میزان رشد سالانه جمعیت» و حالات آن توجه داریم و نسبت جنسی جمعیت:

۱ - ۴ - معمولاً در میان نوزادان، در قبال هر ۱۰۰ دختر، صد و چند پسر مشاهده می‌شود. طبق سرشماری سال ۱۳۳۵ ه. ش در جمعیت صفر تا چهار ساله کشور ایران در قبال ۱۰۰ دختر، ۱۰۱/۲ پسر شمارش شده است. در سرشماری سال ۱۳۴۵ این رقم ۱۰۶/۶ پسر در قبال ۱۰۰ دختر شمارش شده است. در سرشماری‌های بعدی هم ارقام در همین حدود بوده است. و در کل جمعیت نیز در چهار

بطور کامل مورد قبول اعضاء قرار نگیرد و مقدمات ناهماهنگی نظام ارزشی با بقیه عناصر ساخت اجتماعی را موجب گردد، جامعه دچار عدم تعادل می‌گردد.

جانسون مبدأ عدم تعادل‌های ساختی را تغییر در ارزشها یا تغییر در شرایط محیطی می‌داند و ریشه هر یک از دو تغییر را برون‌زا یا درون‌زا می‌شمارد و در نتیجه چهار حالت مطرح می‌کند که بر اساس منابع تغییر عبارتند از:

«منابع تغییر ارزشی از خارج نظام منابع تغییر ارزشی در داخل نظام منابع تنبیر شرایط محیطی در خارج از نظام

منابع تنبیر شرایط محیطی در داخل نظام»

سرشماری کشور ایران تعداد مردان از تعداد زنان بیشتر است.^۸

۲-۴- درباره رشد جمعیت به اختصار یادآوری می‌شود که اگر جمعیتی در اول سال ۱۰۰۰/ نفر باشد و سال بعد در روز اول سال ۱۰۰۵ نفر باشد می‌گوییم میزان رشد سالانه جمعیت در این سال و در این جمعیت معین ۵ در هزار یا ۰/۵ درصد بوده است. در کشور ما میزان رشد جمعیت در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۲۹،۱۳۴۵ در هزار (۲/۹ درصد) و در فاصله سالهای ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، ۲۸ در هزار (۲/۸ درصد) و در فاصله سالهای ۱۳۵۵ تا ۳۵،۱۳۶۵ در هزار (۳/۵ درصد) بدون محاسبه مهاجران خارجی) بوده است. علت اصلی رشد جمعیت این است که جمعیتی که به جامعه وارد می‌شوند از جمعیتی که از آن خارج می‌شوند، بیشتر است. فرض کنید نه

کسی از جامعه مهاجرت می‌کند و نه افراد خارج از کشور به داخل می‌آیند در این حالت رشد جمعیت نتیجه این است که تعداد متولدین از تعداد متوفیات بیشترند. از همان ۱۰۰۰/ نفر فرضی ۱۰ نفر مرده‌اند و در میان این ۱۰۰۰/ نفر ۴۰ نوزاد زنده متولد شده است:

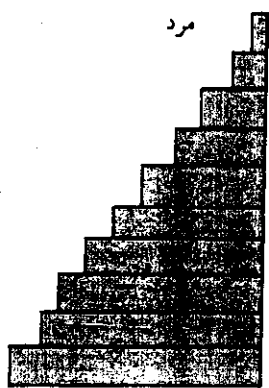
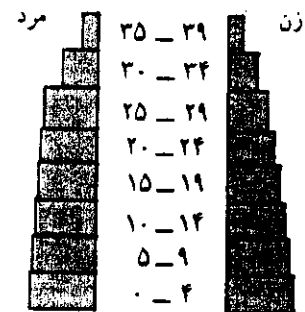
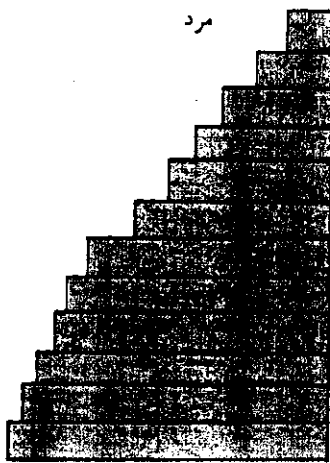
$$۱۰۰۰ - ۱۰ = ۹۹۰ * ۹۹۰ + ۴۰ = ۱۰۳۰$$

در نتیجه ۳۰ در هزار رشد جمعیت داریم.

۳-۴- نکته دیگر درباره ساخت جمعیت توجه به «هرم سنی جمعیت» است. هرم سنی در واقع مقایسه بین تعداد جمعیت در فاصله‌های سنی چند ساله است. معمولاً جمعیت را به سه گروه‌های ۵ ساله تقسیم می‌کنند. و سپس جمعیت گروه ۴-۰ ساله را در پایین‌ترین سطر و جمعیت گروه‌های سنی بعدی را به ترتیب در بالای آن به صورت مستطیل رسم می‌کنند. در هر سطر، در قسمت راست تعداد

زنان و در قسمت چپ تعداد مردان رسم می‌شود.

۱-۳-۴- اگر رشد جمعیت صفر باشد - یعنی هر سال که سرشماری شود تعداد جمعیت با سرشماری سال قبل برابر باشد - هرم سنی شبیه یک استوانه خواهد شد. در جامعه‌ای که مهاجرت به خارج از کشور یا مهاجرت به داخل کشور در آن محسوس نیست و عمده تحولات جمعیتی مربوط به تولد و مرگ است رشد جمعیت نتیجه افزایش تعداد متولدین از متوفیات است. متوفیات از میان جمعیت همه گروه‌های سنی و بیشتر از میان گروه‌های سنی بزرگسال هستند ولی متولدین همگی در گروه سنی ۴-۰ ساله قرار می‌گیرند. لذا هر چه میزان رشد جمعیت بیشتر باشد، تعداد افرادی که در سن ۴-۰ ساله قرار دارند، از تعداد افرادی که در سنین بالاتر



این سه هرم کاملاً فرضی و بدون دقت‌های معمول محاسباتی است ولی جنبه کلی ساخت سنی جمعیت‌ها با میزان رشدهای کاملاً متفاوت را نشان میدهد.

هستند بیشترند.

۲-۳-۴- در هر گروه سنی طبق مطلب
۱-۴- تعداد زنان از تعداد مردان کمتر
است. و از طرفی، جمعیت گروه سنی ۴-۰
ساله در جمعیت‌های دارای میزان رشد بالا-
چمدختر و چه پسر، از جمعیت گروه سنی ۵-۹
ساله بیشتر است و همینطور است جمعیت ۵-۹
ساله از ۱۴-۱۰ ساله بیشتر است و... زیرا
اگر جمعیتی هر ساله ۳۰ در هزار (۳ درصد)
رشد داشته باشد به این صورت در می‌آید:

نفرات اضافه شده	جمعیت	سال مبدأ
۳۰	۱۰۰۰ نفر	سال دوم
۳۱	۱۰۳۰ نفر	سال سوم
۳۲	۱۰۶۱ نفر	سال چهارم
۳۳	۱۱۲۶ نفر	سال پنجم

اگر جدول فوق را بر اساس ۳ درصد رشد
سالانه ادامه دهیم در سال بیست و چهارم،
جمعیت ۲۰۰۰/ نفر (دو برابر جمعیت در سال
مبدأ) می‌شود. و به طور طبیعی نفرات اضافه
شده در هر سال از نفرات اضافه شده در سال
قبل و سالهای قبل تر بیشتر است، که همه این
نفرات اضافه شده در سن زیر یکسالگی قرار
دارند.

۳-۳-۴- اکنون به نسبت جنسی
(نسبت مرد به زن در هر گروه سنی) در جمعیت
فرضی فوق توجه کنید:

(نسبت جنسی ۱۰۴)

مرد و زن	مرد	زن	جمعیت	سال
۲۰	۵۱۰	۴۹۰	۱۰۰۰	مبدأ
۲۰	۵۲۵	۵۰۵	۱۰۳۰	دوم
۲۱	۵۴۱	۵۲۰	۱۰۶۱	سوم
۲۱	۵۵۷	۵۳۶	۱۰۹۳	چهارم
۲۲	۵۷۴	۵۵۲	۱۱۲۶	پنجم

همانطور که ملاحظه می‌شود در ابتدا تعداد
زنان ۲۰ نفر کمتر بود و در سال سوم ۲۱ نفر
کمتر و در سال پنجم ۲۲ نفر کمتر. یعنی اگر با
نسبت جنسی ثابت و رشد جمعیتی با میزان
بالا، تعداد جمعیت رو به افزایش بگذارد دائماً
کمبود تعداد زن نسبت به مرد افزایش می‌یابد.
از طرف دیگر - که نکته مورد توجه این مقاله
است - وقتی نسبت جنسی نوزادان ۱۰۴ مرد
به ۱۰۰ زن باشد و جمعیت دارای ۳ درصد
رشد باشد، جمعیت زیر یکساله به نسبت سال
قبل «حداقل» ۳ درصد رشد خواهد داشت ولی
واقعیت این است که رشد سالانه ۳ درصد
برای کل جمعیت (با توجه به اینکه عامل ایجاد
کننده رشد افزایش موالید - و به اندازه کمی
کاهش متوفیات از سنین جوان و بالاتر -
است) به صورت رشدی بالاتر از ۳ درصد
برای سن زیر یکسالگی جلوه می‌کند.

۴-۳-۴- با توجه به مطالب قبل، در
عین اینکه کمبود تعداد زنان از تعداد مردان
هم‌سن، سال به سال در حال شدت یافتن است،
چون تعداد نوزادان در هر سال از تعداد
نوزادان سال قبل بیشتر است - جملات آخر
مطلب ۳-۳-۴- اگر با فاصله ۵ سال تعداد
زن و مرد را مقایسه کنیم این کمبود بیشتر
خواهد بود. در همان ارقام فرضی مطلب ۳-۳-
۴- این دو نکته دیده می‌شود. در سال مبدأ،
۲۰ زن کمتر هستند و در سال پنجم ۲۲ زن
کمتر می‌باشند. نکته دوم اینکه: اگر مردان سال
پنجم (۵۷۴ نفر) با زنان سال اول (۴۹۰ نفر)

مقایسه شوند به جای ۲۰ یا ۲۲ نفر کمبود زن،
۸۴ نفر کمبود زن خواهیم داشت.

۵- نگاهی به سرشماری سال ۱۳۶۵

۱-۵- اولاً در همه ۴ سرشماری موجود
کشور تعداد مردان بیش از زنان بوده است. در
میان جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر که احتمال
ازدواج کردن دارند نسبت جنسی در سال
۱۳۴۵، ۱۰۷ مرد در قبال ۱۰۰ زن بوده است.
این رقم در سرشماری ۱۳۵۵، ۱۰۵ و در
سرشماری ۱۳۶۵، ۱۰۴ بوده است.

۲-۵- در سرشماری ۱۳۶۵، جمعیت
۱۰ ساله و بالاتر ۳۲۸۷۰۳۶۳ نفر بوده است و
کل جمعیت ۵۰ میلیون یعنی متولدین سالهای
بین دو سرشماری ۵۵ و ۶۵ عبارتند از
۱۷۱۲۹۶۳۷ نفر.

طبق سرشماری سال ۱۳۴۵ جمعیت ۱۰
ساله و بالاتر در آن سال ۱۶۹۹۹۸۱۷ نفر
بوده‌اند و همین گروه سنی در سرشماری
۱۳۵۵، ۲۳۰۰۲۴۹۹ نفر بوده‌اند. که تفاوت
این دو رقم ۶۰۰۲۶۸۲ نفر می‌باشد که این
۶۰۰۲۶۸۲ نفر، جمعیت ۹-۰ ساله
سرشماری ۱۳۴۵ هستند که در سال ۱۳۵۵
جمعیت ۱۹-۱۰ ساله کشور را تشکیل
داده‌اند. (البته با در نظر گرفتن تلفات این گروه
سنی در طول ۱۰ سال) جمعیت باقیمانده از
گروه ۹-۰ ساله ۱۳۵۵ در سال ۱۳۶۵
عبارتند از: (با اندکی اغماض)

$$\text{نفر } ۹۸۶۷۸۶۴ = ۲۳۰۰۲۴۹۹ - ۲۳۲۸۷۰۳۶۳$$

جمعیت ۹-۰ ساله در سال ۱۳۴۵ یعنی
متولدین سالهای ۳۵ تا ۴۵ که ۶ میلیون نفرند.
جمعیت ۹-۰ ساله در سال ۱۳۵۵ یعنی
متولدین سالهای ۴۵ تا ۵۵ که نزدیک به ۱۰
میلیون نفرند. و جمعیت ۹-۰ ساله در سال
۱۳۶۵ یعنی متولدین سالهای ۵۵ تا ۶۵ که ۱۷
میلیون نفرند.

هرم سنی هرگز ازده نکرده‌ها (سال ۱۳۶۵)	هرگز ازدواج نکرده	جنس	گروه سنی	از این محاسبه و مقایسه معلوم می‌شود که
مرد	۲۳۸۸۹۱۶	مرد	۱۵ - ۱۹	مطلب ۱-۳-۲ و ۴-۳-۲ در سالهای
زن	۲۶۵۰۹۷۶	زن	۱۰ - ۱۴	۳۵ تا ۶۵ در ایران صادق بوده است و هر ساله
۹۴۰۰۰ ۳۰ ۳۴ ۶۵۰۰۰	۱۲۰۶۳۶۲	مرد	۲۰ - ۲۴	تعداد متولدین از متولدین سال قبل و به طریق
۳۳۰۰۰۰ ۲۵ ۲۹ ۱۹۰۰۰۰	۱۶۲۳۵۱۸	زن	۱۵ - ۱۹	اولی از متولدین سالهای قبل تر، بیشتر
۱۲۰۰۰۰۰ ۲۰ ۲۴ ۵۳۰۰۰۰	۳۳۶۹۴۲	مرد	۲۵ - ۲۹	بوده‌اند.
۲۴۰۰۰۰۰ ۱۵ ۱۹ ۱۶۲۰۰۰۰	۵۳۴۴۸۱	زن	۲۰ - ۲۴	۳-۵ در اینجا نگاهی به جمعیت واقع
۲۸۸۰۰۰۰ ۱۰ ۱۴ ۲۶۵۰۰۰۰	۹۴۳۶۰	مرد	۳۰ - ۳۴	در سن ازدواج در سرشماری ۱۳۶۵
مقیاس: هر میلی متر، پنجاه هزار نفر	۱۶۹۶۰۳	زن	۲۵ - ۲۹	می‌اندازیم!

همانطور که ملاحظه می‌شود «هرم سنی ازدواج نکرده‌ها» دارای تفاوت زیادی در قسمت زنان در مقایسه با قسمت مردان می‌باشد در حالی که اگر هرم سنی کل جمعیت رسم شود تناسب بیشتری دارند. علت این است که در هر گروه سنی زنان بیشتری ازدواج کرده‌اند و مردان مجرد بیشتریند چون زنان معمولاً با گروه سنی بزرگتر از خود ازدواج می‌کنند. همانطور که ملاحظه می‌کنید: در هر گروه سنی تعداد مردان بیش از تعداد زنان است. ثانیاً: مشاهده می‌شود که تعداد هر گروه سنی از گروه سنی بزرگسال تر از خود بیشتر است.

ثالثاً: از نکته دوم معلوم می‌شود که زنان هر گروه سنی از مردان گروه سنی بزرگسال تر بیشترند.

«نگاهی به هنجار سنی ازدواج پسران و دختران»

همانطور که در ابتدای مقاله ذکر کردیم هنجار غالب در ارتباط با فاصله سنی زن و مرد اولاً: بزرگتر بودن شوهر از زن است و ثانیاً: این فاصله اکثراً بین ۱ تا ۵ سال است که به طور ریزتر اکثراً ۳ تا ۵ سال می‌باشد. در این مقاله ما «ساخت جمعیتی جامعه» را با «هنجارهای ازدواج» در ارتباط قرار می‌دهیم. در چارچوب فونکسیونالیزم ساختی صریحاً به این وجه اشاره نشده است، اگر چه

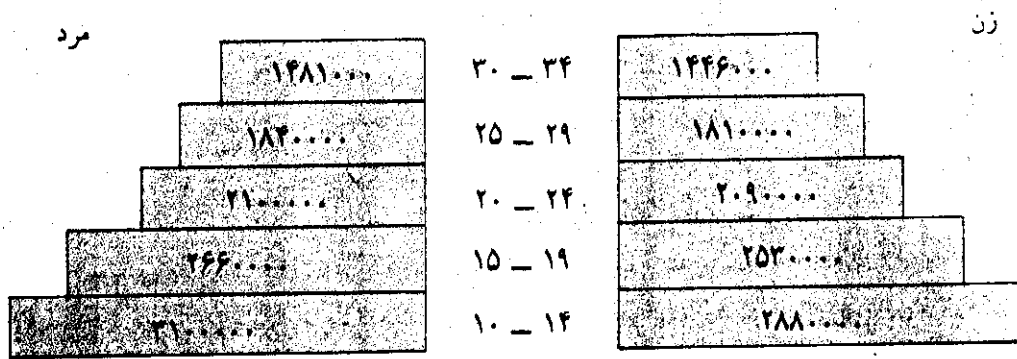
گروه سنی	جنس	هرگز ازدواج نکرده	دارای همسر	بیوه	اظهار نشده	جمع
۱۵ - ۱۹ ساله	مرد	۲۳۸۸۹۱۶	۱۶۸۸۷۶	۶۳۹۹	۹۶۱۷۳	۲۶۶۰۳۶۴
	زن	۱۶۲۳۵۱۸	۸۳۰۶۵۸	۱۳۷۴۶	۶۳۹۱۶	۲۵۳۱۸۳۸
۱۰ - ۱۴	مرد	۲۶۵۰۹۷۶	۷۷۴۵۳	۵۴۱۲	۱۴۶۳۶۶	۲۸۸۰۲۰۷
	زن	۱۲۰۶۳۶۲	۸۴۰۲۲۰	۱۲۵۸۳	۴۴۴۶۸	۲۱۰۳۶۳۳
۲۰ - ۲۴	مرد	۵۳۴۴۸۱	۱۵۰۶۳۹۰	۲۷۶۲۹	۲۱۶۰۹	۲۰۹۰۱۰۹
	زن	۳۳۶۹۴۲	۱۴۷۰۰۵۵	۱۷۷۳۱	۱۴۹۱۱	۱۸۳۹۶۳۹
۲۵ - ۲۹	مرد	۱۶۹۶۰۳	۱۵۹۶۵۳۲	۳۷۳۸۷	۸۱۳۶	۱۸۱۱۶۵۸
	زن	۹۴۳۶۰	۱۳۶۴۱۰۸	۱۷۱۰۱	۵۹۰۶	۱۴۸۱۴۷۵
۳۰ - ۳۴	مرد	۶۵۷۲۵	۱۳۳۲۷۴۳	۴۲۹۷۵	۵۰۶۵	۱۴۴۶۵۰۸

شده، توجه کنید در همه آنها رقم زنان بیشتر از رقم مردان است. یعنی اگر همه مردان ازدواج کنند، در نهایت تعدادی زن ازدواج نکرده باقی می‌ماند. اکنون تمام مردان هرگز ازدواج نکرده در گروه سنی ۱۵-۳۴ ساله را با تمام زنان هرگز ازدواج نکرده در گروه سنی ۱۰-۲۹ ساله، مقایسه می‌کنیم:

زنان هرگز ازدواج نکرده گروه سنی ۱۰-۲۹ ۴۹۷۸۵۷۸
مردان هرگز ازدواج نکرده گروه سنی اکنون به روشنی دیده می‌شود که تعداد زنان هرگز ازدواج نکرده جوان، ۹۵۱۹۹۸ نفر از مردان هرگز ازدواج نکرده جوان - طبق هنجاری که مردان اکثراً ۱ تا ۵ سال از زنشان بزرگترند - بیشترند.

۴-۵- می‌دانیم که در کشور ما اکثر ازدواج‌ها با فاصله ۱ تا ۵ سال سن، بین زن و شوهر اتفاق می‌افتد و ازدواج‌هایی با فاصله سنی ۵ تا ۱۰ و ۱۰ تا ۱۵ سال، تعداد اندکی را تشکیل می‌دهند. با توجه به این شیوه و هنجار اکثر افراد مرد در یک گروه سنی با زنان گروه سنی قبلی ازدواج می‌کنند. یعنی مردان ۲۰-۲۴ ساله با زنان ۱۵-۱۹ ساله و مردان ۲۵-۲۹ ساله با زنان ۲۰-۲۴ ساله و مردان ۳۰-۳۴ ساله با زنان ۲۵-۲۹ ساله ازدواج می‌کنند. اکنون مطالب جدول بالا را براساس مردان و زنان محتمل النکاح با یکدیگر دوباره تنظیم می‌کنیم، البته فقط افراد هرگز ازدواج نکرده را: به هر زوج از ارقام در کنار هم قرار داده

هرم سنی کل جمعیت گروه‌های سنی مربوطه (۱۳۶۵)



مجموع عدد جنس ذکور مردم یک کشور چقدر است؟ و مجموع عدد اناث آنها چقدر؟ آنچه مفید و لازم است این است که بدانیم نسبت مردان و زنان آماده به ازدواج چه نسبت است؟ غالباً نسبت مردان و زنان آماده به ازدواج با نسبت مجموع جنس ذکور و جنس اناث، متفاوت است.^{۱۱}

«اما مقدمه دوم... در اینکه حق تاهل از طبیعی‌ترین و اصیل‌ترین حقوق بشری است، جای سخن نیست. هر کسی... حق دارد... از داشتن زن یا شوهر و فرزند بهره‌مند باشد.»^{۱۲}

«اکنون پس از اثبات دو مقدمه بالا... نتیجه اینست: اگر تک همسری تنها صورت قانونی ازدواج باشد، عملاً گروه زیادی از زنان از حق طبیعی انسانی خود (حق تاهل) محروم می‌مانند. تنها با قانون تجویز تعدد زوجات است (البته با شرایط خاصی که دارد) که این حق طبیعی احیا می‌گردد.»^{۱۳}

قابل تذکر است که در کلام مرحوم شهید مطهری تعدد زوجات به عنوان راه حل دو مشکل جداگانه ولی مشابه مطرح شده است: یکی: وقتی در ساخت جمعیتی، در هر گروه سنی تعداد زن و مرد مساوی باشند یا مردان بیش از زنان باشند و در هر دو حالت مذکور زنان آماده ازدواج از مردان آماده ازدواج بیشتر باشند که این حالت موضوع بررسی این مقاله است.

دیگری: وقتی که به علل مستعدی مثل

مردان واقع در سن ازدواج - مربوط به سرشماری سال ۱۳۶۵ - که ارائه شد حاکی از تحقق فرض اخیر است که ما از آن به عنوان یک مسئله اجتماعی یاد کردیم.

راه حل:

۱ - اولین راه حل، راه حل پیشنهادی مرحوم شهید مرتضی مطهری (رض) است: استاد مطهری در کتاب نظام حقوق زن در اسلام در دفاع از قانون تعدد زوجات در اسلام، مطلبی فرموده‌اند که به نظر ما ارائه راه حل برای مسئله اجتماعی مورد بحث در این مقاله است. «اما علت خاصی همواره در طول تاریخ در کار بوده که چند زنی را به عنوان «حقی» برای زن و «وظیفه‌ای» برای مرد ایجاد می‌کرده است. آن، فزونی نسبی عدد زنان آماده به ازدواج از عدد مردان آماده به ازدواج است.»

«برای اثبات این مدعا (تعدد زوجات حق زن و وظیفه مرد است) دو مقدمه باید روشن شود: یکی اینکه ثابت شود طبق آمار قطعی و مسلم، عده زنان آماده ازدواج بر عدد مردان آماده ازدواج فزونی دارد. دیگر اینکه: اگر چنین چیزی وجود پیدا کند، از جنبه حقوق بشری و انسانی موجب حقی می‌شود برای زنان محروم برعهده مردان و زنان متأهل.»^{۱۴}

«البته قبلاً باید به این نکته توجه داشته باشیم که برای مدعای ما کافی نیست که بدانیم

می‌توان هنجارهای ازدواج را با شرایط عینی در ارتباط گذاشته و فونکسیونل بودن یا نبودن آن را بررسی کرد ولی به طور صریح می‌توان به کمک طرح لایه‌های ژرف‌سنایی و اقصیت اجتماعی در مدل ساختی گورویچ به تحلیل موضوع مقاله پرداخت. از نظر گورویچ بررسی ارتباط لایه‌های متعدد هر قالب اجتماعی یعنی تحلیل جامعه شناختی آن موضوع، (ر. ک. جبر اجتماعی ترجمه حبیبی) اگر بین «هنجارهای ازدواج در یک جامعه» و «ساخت جمعیتی آن جامعه»، تناسب و تعادل وجود داشته باشد، هنجارها کارآیی و فونکسیونل اند ولی اگر بین این دو تناسب نباشد، با یک عدم تعادل ساختی روبرو هستیم که اصطلاحاً به آن «مسئله اجتماعی» می‌گوییم.

اگر «ساخت جمعیتی جامعه» با میزان رشد کم، با هنجار فاصله سنی زن و شوهر در جامعه ایران؛ مقایسه شوند دارای تناسب می‌باشند خصوصاً اینکه با موارد مطرح شده در مطلب (۲) نیز متناسب‌اند و گذشته جامعه ما نیز مصداق این حالت است.

اما اگر «ساخت جمعیتی با میزان رشد بالا» با «هنجار رعایت ۱ تا ۵ سال تفاوت سنی زن و شوهر در اکثر موارد» در ارتباط گذاشته شده و بررسی شوند، عدم تناسب آن آشکار خواهد شد و تعداد زیادی از دختران هرگز ازدواج نکرده شوهر پیدا نخواهند کرد.

جداول آساری و سرم‌های سنی زنان و

جنگ، بیماری، کار زیاد و پرخطر برای مردان و... تعداد زنان در کل جمعیت بالغ بیش از تعداد مردان باشد که در این مقاله از آن بحثی نمی‌شود و شاید تنها راه حل آن تعدد زوجات باشد.

مرحوم شهید مطهری برای حالت مورد بحث ما راه حلی مطرح کرده‌اند که همان تعدد زوجات است. به نظر می‌رسد همانطور که تعدد زوجات یک راه حل برای این حالت است، راه حل‌های دیگری هم موجود باشند. البته وقتی راه حلی مفید است که وجود آن در کنار هنجارهای دیگر، عدم تعادل‌های دیگری تولید نکند و پس از حل یک مسئله، خود به مسئله اجتماعی تازه‌ای تبدیل نگردد. البته وجود قانون تعدد زوجات در احکام اسلامی و کارایی اجتماعی آن در مواقعی از تاریخ گذشته دو عنصر قطعی می‌باشند.

راه حل پیشنهادی ما:

راه حل دیگری که به نظر می‌رسد «هم سن گزینی» در ازدواج است.

به نظر ما الآن در جامعه ما شرایطی پیش آمده است که امکان مطرح کردن «همسن گزینی» در ازدواج وجود دارد و در تعداد زیادی از ازدواج‌های دانشجویان پسر و دختر با هم و کارمندان با هم پدیده «همسن گزینی» دیده می‌شود. در ازدواج‌های جوانان انقلابی مسلمان در سال ۱۳۵۸ نیز موارد فراوانی از «همسن گزینی» دیده می‌شود. اصولاً در شرایطی که زن و مرد دنبال تحصیلات عالی و یا اشتغال در بخش جدید اقتصادی هستند، رعایت همسان گزینی شدیداً به «همسن گزینی» میل می‌کند.

با توجه به مطلب مذکور و شرایط جامعه ما راه حل «هم سن گزینی»، بدون تنش جدی خواهد بود و در عین حل مسئله اجتماعی مورد بحث، مسئله اجتماعی دیگری تولید نخواهد کرد.

علاوه بر این «هم سن گزینی»، با «شرایط جدید خانواده در شهرهای ایران از نظر هرم قدرت» نیز سازگار است، در صورتیکه همانطور که در ابتدای مقاله آمد: سن کمتر زن از مرد و توانایی‌های اجتماعی هر کدام زمینه عینی برای هنجار ریاست مرد بر خانواده بوده است. می‌دانیم که امروزه در ساخت خانواده‌های جوان شهری در کشور ما «برابری تقریبی زن و مرد» در تصمیم‌گیری‌ها و اعمال نفوذها، وجود دارد.

اگر یکبار دیگر به هرم سنی کل جمعیت بالغ نگاه کنید می‌بینید که «هم سن گزینی» موجب می‌شود که عرضه و تقاضای زن متعادل باشد و رعایت بزرگتری ۱ تا ۵ سال مرد از زن موجب افزایش عرضه زن از تقاضای آن می‌شود.

تذکر دیگر اینکه: از اکنون تا وقتی که این راه حل به صورت یک هنجار مورد قبول جامعه در آید تعدادی ازدواج با تفاوت سنی رخ خواهد داد که آرام آرام وضع فعلی ساخت زنان و مردان هرگز ازدواج کرده را به ساخت بعدی منتقل می‌نماید. چون با توجه به هرم سنی هرگز ازدواج نکرده‌ها، اگر از اکنون «هم سن گزینی»، بطور مطلق اجرا گردد، تعداد زیادی «پسر مجرد مازاد» به وجود می‌آید. زیرا هرم سنی هرگز ازدواج نکرده‌ها در وضع فعلی نتیجه «ازدواج‌های با فاصله سنی» است.

بنابراین راه حل پیشنهادی ما با توجه به هرم سنی مجردین موجود و هرم سنی کل جمعیت بالغ در امروز و آینده جامعه و هرم قدرت در ساخت خانواده فعلی و مسایل تحصیل و اشتغال مردان و زنان در امروز و آینده جامعه و بقیه هنجارها و زمینه‌های عینی - ذهنی جامعه ما ارائه می‌گردد.

منابع و توضیحات

- ۱ - تی. بی. باتومور «جامعه‌شناسی» سید حسن منصور - امیرکبیر - چاپ سوم ۱۳۵۷ صفحه ۳۷۹.
- ۲ - آلن بیرو «فرهنگ علوم اجتماعی»، باقر

- ساروخانی، کیهان - چاپ اول ۱۳۶۶ صفحه ۳۷۲.
- ۳ - جالمرز جانسون، «تحول انقلابی»، حمید الیاسی، امیرکبیر چاپ اول ۱۳۶۳ صفحه ۶۴.
 - ۴ - آلن بیرو، منبع ۲ صفحه ۴۱۰.
 - ۵ - غلامعلی خوشنرو، «فرهنگ و نظام اجتماعی»، مجله کیهان فرهنگی، با اندکی تصرف.
 - ۶ و ۷ - جالمرز جانسون - منبع قبل بترتیب صفحات ۷۴ و ۷۵.

۸ - در این بحثها فرض بر این بوده است که میزان مرگ و میر مردان و زنان یکسان است و از بابت تفاوت میزان مرگ و میر، تفاوتی در ساخت جمعیت زن و مرد حاصل نمی‌شود.

۹ - در این بحث متوجه بودیم که ممکن است به علل مختلفی مسانند فرار از سربازی سن افراد نادرست گزارش شود و ساخت جمعیت را نامتوازن نشان دهد، اما در آمار مورد بحث در اینجا تفاوت از این بابت بسیار اندک است. گزارش نادرست سن به دلیل فرار از سربازی در سنین ۳۴ - ۳۰ ساله و ۱۴ - ۱۰ ساله مطرح نیست. احتمال اینکه ۲۰ ساله‌ای خود را ۱۷ ساله اعلام کند موجب بالا رفتن تعداد ۱۹ - ۱۵ ساله‌ها خواهد شد. احتمال اینکه ۲۰ ساله‌ای خود را ۲۵ ساله اعلام کند موجب بالا رفتن تعداد ۲۹ - ۲۵ ساله‌های خواهد شد. در آمار مورد بحث می‌بینیم که ۲۹ - ۲۵ ساله‌ها فزونی چشمگیری ندارند. البته در گروه ۲۴ - ۲۰ ساله اندک کاهشی مشاهده می‌شود که احتمالاً موجب افزایش در ۱۹ - ۱۵ ساله شده است. از آنجایی که سرشماری سال ۱۳۶۵ نسبت به سرشماری‌های قبل از صحت بیشتری برخوردار است، علاوه بر آن ما بر اساس تفاوت مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده در این گروه‌های سنی تحلیل خود را مطرح کرده‌ایم و تفاوت مردان و زنان ازدواج نکرده با تفاوت مردان و زنان در کل جمعیت یک گروه سنی فرقی دارد و از آن گذشته تفاوت مردان ازدواج نکرده هر گروه سنی با زنان ازدواج نکرده هر گروه سنی کوچکتر را ملاک تحلیل قرار داده‌ایم، این مشکل منتفی است.

۱۰ - شهید مرتضی مطهری - «نظام حقوق زن در اسلام»، انتشارات صدرا - ۱۳۵۷ چاپ هشتم صفحه ۳۶۹.

۱۱ و ۱۳ و ۱۴ - همان منبع قبل بترتیب صفحات ۳۷۰ - ۳۷۰ - ۳۷۹ - ۳۸۰.